

عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی موثر بر تجربه شکست عشقی: یک مرور نظامند

لادن عراقی*^۱، عبدالله شفیق آبادی^۲، علی دلاور^۳، مؤگان مردانی‌راد^۴

چکیده

یکی از پرچالش‌ترین مسائلی که امروزه می‌تواند برای افراد در طول زندگی‌شان اتفاق بیفتد تجربه شکست عشقی است که عمدتاً با پیامدهای منفی گوناگونی همراه است. هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر در شکست عشقی بود. بدین منظور از روش مرور نظامند استفاده شد. جامعه در این بخش کلیه منابع نوشتاری (چاپی/الکترونیکی) داخلی و بین‌المللی در زمینه تجربه شکست عشقی بود که از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی قابل‌بازیابی و دسترسی بودند. پس از تعیین معیارهای ورود (منتشر شده از سال ۲۰۰۰ تا کنون؛ پژوهش‌هایی که در یک مجله معتبر به چاپ رسیده باشند و دارای متن کامل بودند؛ پژوهش‌های تجربی و مروری) و غربالگری و ارزیابی مقالات، ۳۷ مطالعه انتخاب شد. با بررسی نظامند پیشینه پژوهش و بر اساس مرور نظامند انجام شده، ویژگی‌های شخصیتی، سبک دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار، الگوهای مهم خانوادگی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده به عنوان سه عامل مهم فردی، الگوهای فرزندپروری به عنوان یک عامل عشقی شناسایی شدند. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، ضروری است در طراحی مداخلات و ادراک‌شده برنامه‌هایی که برای پیشگیری و یا درمان شکست عاطفی طراحی می‌شوند، به متغیرهای فردی، خانوادگی و اجتماعی شناسایی شده توجه داشته باشند. چگونگی تاثیر و نقش هر یک از این متغیرها بر شکست عاطفی به بحث گذاشته شد.

کلید واژگان

شکست عشقی، سبک دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار، الگوهای مهم خانوادگی و حمایت اجتماعی

^۱. نویسنده مسئول: استاد دانشگاه، رشته مشاوره تهران، ایران. l.araghi@yahoo.com

^۲. استاد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی. تهران. ایران. ashafiabady@yahoo.com

^۳. گروه سنجش و اندازه‌گیری دانشگاه علامه طباطبائی. تهران ایران. delavarali@yahoo.com

^۴. دانش آموخته مشاوره واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mardanirad@yahoo.com

مقدمه:

عشق در دوره نوجوانی و جوانی یکی از حیرت‌انگیزترین هیجان‌هایی است که این گروه می‌توانند تجربه کنند، زیرا در دوران کودکی، روابط با پدر و مادرها اغلب به عنوان مهمترین رابطه شرح داده شده است، در حالی که دوران نوجوانی و جوانی، روابط با شرکای عشقی به تدریج اهمیت پیدا می‌کنند (کالا، پارتونن و پسونن^۱، ۲۰۲۰). از این رو، یکی از پرچالش‌ترین مسائلی که امروزه می‌تواند برای افراد در طول زندگی‌شان اتفاق بیفتد تجربه شکست عشقی^۲ است، که عمدتاً همراه با پیامدهای منفی گوناگونی است و حتی می‌تواند تجربه نشانگان ضربه عشق^۳ را در فرد رقم بزند (کارتز، نوکس و هال^۴، ۲۰۱۹). آغاز یک رابطه عاطفی، با احساسی ناخودآگاه، علاقه و اشتیاق شدید، دگرخواهی، تلاش برای معشوقی بهتر بودن، شادی و پذیرش همراه است. در مقابل، پایان یک رابطه نیز می‌تواند همراه با احساس طرد شدن، فقدان و هیجان‌هایی از قبیل خشم، غم، حسادت، ناامیدی و تنهایی باشد (اربر و اربر^۵، ۲۰۱۷). به سخن دیگر، همان‌طور که روابط عاشقانه به عنوان یک تلاش چالش‌برانگیز، در جهت رسیدن به اهداف مطلوب و اصلی زندگی تلقی می‌شود؛ خاتمه آن نیز می‌تواند زیان‌بار و از لحاظ عاطفی آزاردهنده باشد (شیمک و بلو^۶، ۲۰۱۴). شکست در روابط عاشقانه بخشی طبیعی از زندگی انسان در نظر گرفته می‌شود اما این تجربه برای بسیاری از افراد با حالات هیجانی و شناختی ناکارآمد مانند غم، اندوه، دل‌شکستگی، استرس و افکار منفی فراوان همراه است (مکران^۷ و همکاران، ۲۰۱۸). افرادی که در زندگی خود شکست عشقی را تجربه کرده‌اند، افکار و باورهای منفی و تحریف‌شده‌ای درباره خود و دیگران دارند، احساس ناامیدی و طردشدگی می‌کنند، خود را سرزنش و انتقاد می‌کنند، میزان شفقت از خود در آن‌ها پایین است و در شناسایی، توصیف و تنظیم احساسات خود با مشکلاتی روبرو هستند (هانگ^۸ و همکاران، ۲۰۱۹؛ آسایش، قاضی‌نژاد و باهنر، ۲۰۲۱).

برای بسیاری از افراد روابط عاشقانه آسیب‌دیده یا شکست خورده، تنها منجر به «حزن رابطه»^۹ می‌شود. اما این رابطه شکست خورده گاهی اوقات می‌تواند به دردهای عاطفی عمیقی منجر شود. به سخن دیگر، شکست در روابط عاشقانه در بعضی از افراد باعث آسیب‌های عاطفی بسیار عمیق تری می‌شود، تجربه‌ای که می‌توان آن را «نشانگان ضربه عشق»^{۱۰} نامید (راس^{۱۱}، ۱۹۹۹). ضربه عشق، مجموعه علائم و نشانه‌های شدیدی است که پس از فروپاشی یک رابطه رمانتیک بروز می‌کند، عملکرد فرد را در زمینه‌های متعدد زندگی مختل می‌کند، واکنش‌های غیرطبیعی و ناسازگار به دنبال دارد، طولانی‌مدت است (فیلد^{۱۲}، ۲۰۱۱) و شامل، برانگیختگی، اجتناب، یادآوری خودکار و بی تفاوتی هیجانی می‌باشد (گیلبرت و سیفرز^{۱۳}، ۲۰۱۱). مقابله هریک از افراد با شکست عاطفی، بستگی زیادی به عوامل زمینه‌ساز رشدی، شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی فرد دارد (گیلبرت و سیفرز، ۲۰۱۱) و با سطوح بالای

1. Kuula, Partonen & Pesonen

2. Emotional failure

3. love failure

4. Carter, Knox & Hall

5. Erber & Erber

6. Shimek & Bello

7. McKiernan

8. Huang

9. relationship blues

10. Love Trauma Syndrome

11. Rosse

12. Field

13. Gilbert & Sifers

اضطراب، افسردگی، سوگ، نشانه‌های جسمانی، آسیب‌پذیری و تجربه احساس‌های منفی همراه است (وئون و لی^۱، ۲۰۱۳). همچنین به دلیل عدم پذیرش اجتماع و ترس از عدم تایید، این افراد از سمت نزدیکان حمایتی نیز دریافت نمی‌کنند که منجر به کناره‌گیری بیشتر و بروز احساس گناه/ شرم در آنان می‌گردد (بنو^۲، ۲۰۲۰).

افسردگی (ورهالن^۳ و همکاران، ۲۰۱۹)، اقدام به خودکشی (لاو^۴ و همکاران، ۲۰۱۸)، تضعیف عملکرد فرد در زمینه‌های تحصیلی، اجتماعی و حرفه‌ای (کانسکی، آلن و دینر^۵، ۲۰۱۹) از دیگر علائم تجربه شکست عشقی است. بروز این علائم به‌طور کلی سیر بهبودی مبتلایان را به تاخیر می‌اندازد و عملکرد آن‌ها را مختل می‌نماید (میکاران، رایان، مکمون، بردلی و باتلر^۶، ۲۰۱۸). از این‌رو، با توجه به علایم شایع شکست عاطفی به‌ویژه در حوزه سلامت‌روانی و روابط میان‌فردی، یکی از روش‌های پیشگیری و مقابله با آسیب‌های روانی، شناسایی عوامل مرتبط با آن است.

روش:

این مطالعه از نوع مطالعات ثانویه و روش اجرای آن مرور نظامند یا سیستماتیک بوده است. مروریهای نظامند، پژوهش‌های انجام شده درباره یک موضوع خاص را به‌صورت مختصر و مفید در اختیار می‌گذارند و بر خلاف رویکرد سنتی برای مرور مقالات، مانند پژوهش‌های اولیه، از اصول و قواعد دقیق تبعیت می‌کنند. در مطالعات مرور نظامند، از یک رویکرد کاملاً نظامند و روش از پیش طراحی شده استفاده می‌شود (رجب‌زاده، شیروانی و خزانه‌داری، ۲۰۰۶).

جامعه‌آماری، نمونه و روش نمونه‌برداری: جامعه در این بخش تمامی منابع نوشتاری (چاپی/الکترونیکی) داخلی و بین‌المللی در زمینه تجربه شکست عشقی بود که از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی (همچون ScienceDirect, Springer, Francis & Taylor, SAGE, Wiley, ProQuest) و داخلی (همچون بانک اطلاعات نشریات کشور، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پایگاه مجلات تخصصی نور، آرشیوهای الکترونیک مجلات) قابل‌بازرسی و دسترسی بودند. پژوهش حاضر در پنج مرحله (اقتباس از گاف، اولیور و توماس^۷، ۲۰۱۳) انجام شد.

مرحله اول؛ تعیین معیارهای ورود: برای اینکه مطالعه‌ای بتواند در یک مرور نظامند مورد استفاده قرار گیرد باید دارای یک سری ویژگی‌ها باشد. به این ویژگی‌ها که بر اساس هدف و یا سؤال تعیین می‌شوند، معیارهای ورود یا شایستگی^۸ گفته می‌شود. معیارهای ورود در پژوهش حاضر بدین شرح بود: حیطه جغرافیایی: سراسر دنیا؛ زبان گزارش‌های پژوهشی: انگلیسی و فارسی؛ سال انتشار: از ۱۳۷۹/۲۰۰۰ تا اکنون؛ نوع سند: پژوهش‌هایی که در یک مجله معتبر به چاپ رسیده باشند و دارای متن کامل^۹ بودند؛ روش‌شناسی: پژوهش‌های تجربی و مروری.

مرحله دوم؛ جستجو: در این مرحله ابتدا کلیدواژه‌ها تعیین و تعریف شد. سپس از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی و داخلی مطالعات و منابع مورد نظر، بازیابی شد.

1. Kweon & Lee

2. Benau

3. Verhallen

4. Love

5. Kansky, Allen & Diener

6. McKiernan, Ryan, McMahon, Bradley & Butler

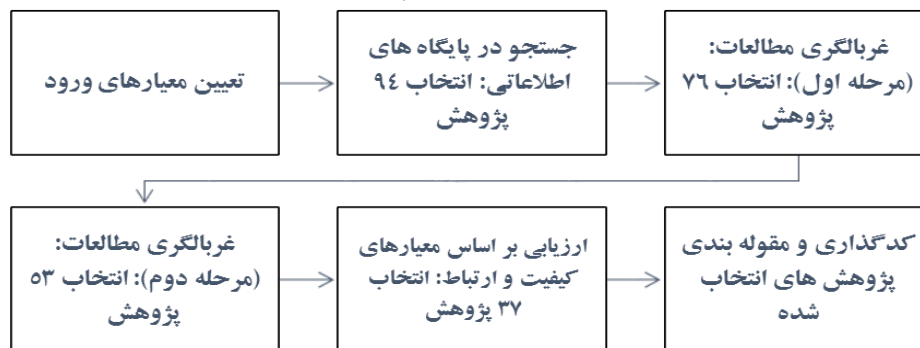
7. Gough, Oliver, & Thomas

8. Inclusion (eligibility) criteria

9. Full Text

مرحله سوم؛ غربالگری: برای اطمینان از اینکه پژوهش‌هایی که در مرحله جستجو شناسایی و انتخاب شده بودند، از معیارهای ورود (مرحله اول) برخوردار می‌باشند، در یک فرایند غربالگری دو مرحله‌ای^۱، داوری و گزینش شد. بدین صورت که ابتدا چکیده گزارش پژوهش‌ها بررسی و در مرحله بعد، از بین پژوهش‌های باقی مانده، جهت بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تر، متن کامل پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

مرحله چهارم؛ کدگذاری و نقشه‌برداری: در این مرحله، پژوهش‌های غربال شده، بر اساس ویژگی‌های آن‌ها هم‌چون طرح و روش، سؤالات و متغیرهای وابسته، نوع مداخله، جامعه و نمونه، روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها، مرتب شد. از اطلاعات گردآوری شده در این مرحله برای ارزیابی اسناد و مطالعات بر اساس معیارهای کیفیت و ارتباط (مرحله پنجم) استفاده شد. مرحله پنجم؛ ارزیابی: در این مرحله، پژوهش‌ها بر اساس دو معیار کلی کیفیت^۲ و مرتبط بودن^۳ (متناسب با هدف بودن^۴) مورد تحلیل و واکاوی انتقادی قرار گرفت. بدین معنا که پژوهش‌ها از طریق سؤالاتی چون: آیا تمرکز پژوهش با هدف پژوهش حاضر سازگار است؟ آیا با توجه به ویژگی‌های پژوهش (از جمله ویژگی‌های نمونه، ماهیت مداخله، نوع ابزار استفاده شده و ...) می‌توان آن را متناسب با سوال پژوهش حاضر دانست؟ آیا روشی که در پژوهش برای پاسخ به سوال/ها انتخاب شده بود، مناسب است؟ آیا پژوهش به خوبی اجرا شد؟، آیا داده‌ها به خوبی تحلیل یا تفسیر شده است؟، مورد داوری قرار گرفت و در نهایت معتبرترین و مرتبط‌ترین آن‌ها یعنی ۳۷ مطالعه انتخاب شد. به منظور شناسایی عوامل و متغیرهای موثر بر تجربه شکست عشقی، همسو با پژوهش‌های پیشینی که با روش مرور نظام‌مند انجام شده‌اند (پیرحیاتی، صالحی، فرزاد، مقدم‌زاده و حکیم‌زاده، ۲۰۱۹)، از روش کدگذاری دستی استفاده شد. بدین صورت که ابتدا هر مقاله به دقت مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس فرضیه‌ها، سؤالات و یافته‌های پژوهشی آن، متغیرهای موثر بر تجربه شکست عشقی شناسایی شد. در مرحله بعد، متغیرها بر اساس مفهوم و ویژگی‌های مشترک، در درون یک عامل بزرگتر طبقه‌بندی شدند. در شکل ۱ مراحل انجام پژوهش نشان داده شد.



شکل ۱. مراحل انجام پژوهش

یافته‌ها:

با بررسی نظام‌مند پیشینه پژوهش و بر اساس مرور نظام‌مند انجام شده (جدول شماره ۱)، ویژگی‌های شخصیتی، سبک دلبستگی و

1. two stage screening

2. Quality

3. relevance

4. fitness for purpose

طرحواره‌های ناسازگار به‌عنوان سه عامل مهم فردی، الگوهای فرزندپروری به‌عنوان یک عامل مهم خانوادگی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده به‌عنوان عامل مهم اجتماعی موثر بر تجربه شکست عشقی شناسایی شدند.

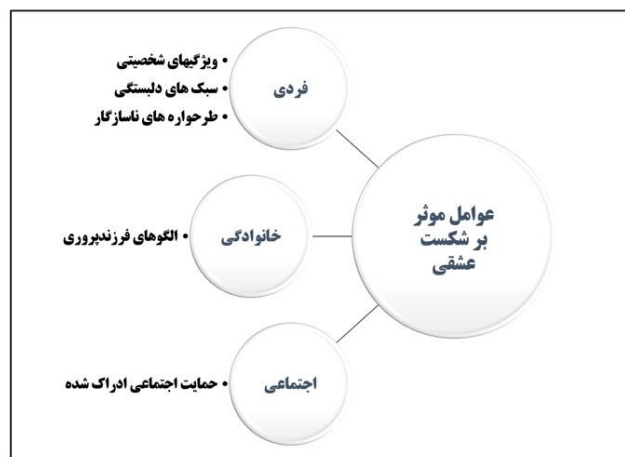
جدول ۱: پژوهش‌های انجام شده درباره عوامل مؤثر بر شکست عشقی

| پژوهش‌ها | متغیرها | عوامل | ردیف |
|---|----------------------|-------|------|
| اعتمادانیا، شیرودی، خلعتبری و ابوالقاسمی (۲۰۲۱)؛ مصباحی، امیری مجد، قمری و بزازیان (۲۰۲۲)؛ تیم ۱ (۲۰۱۰)؛ اشमित ۲ و همکاران (۲۰۰۹)؛ لطفی و ابوطالب سعادت (۲۰۱۶)؛ کارخانه، بهرامی احسان و منطقی (۲۰۱۴)؛ کارالیس و هسلم ۳ (۲۰۰۴)؛ هیون، دیسیلوا، کری، هولن ۴ (۲۰۰۴)؛ گنزاگا، کمپوس و برادبوری ۵ (۲۰۰۷) | ویژگیهای شخصیتی | | |
| شارما، گوندا، دوم و تارازی ۶ (۲۰۲۰)؛ لانگینریچسن-روهلینگ ۷ و همکاران (۲۰۱۷)؛ مصباحی و همکاران (۲۰۲۲)؛ یوسفی، امانی، عسگری و سلیمانی (۲۰۱۸)؛ عسگری (۲۰۱۶)؛ اولدرباک و فیگورادو ۸ (۲۰۰۹)؛ امان-اللهی، تردست و اصلانی (۲۰۱۶)؛ شارانیا و ایکس ۹ (۲۰۰۷)؛ مک‌دونالد ۱۰ و همکاران (۲۰۱۶) | سبک دلبستگی | فردی | ۱ |
| گرینبرگ ۱۱ (۲۰۲۱)؛ مسیبی دورچه، عیسی‌زادگان و سلیمانی (۲۰۲۲)؛ اعتمادانیا و همکاران (۲۰۲۱)؛ کاراتزیاس ۱۲ و همکاران (۲۰۱۶)؛ قاضی‌نژاد و همکاران (۲۰۲۱)؛ ایکن ۱۳ (۲۰۱۷)؛ مک‌درموت ۱۴ (۲۰۰۸)؛ مسمن-مور و کوآتس ۱۵ (۲۰۰۷)؛ صداقت، رفیعی‌پور و سماوی (۲۰۱۵)؛ ایوانی، نوری و حاتمی (۲۰۱۴) | طرحواره‌های ناسازگار | | |

1. Thimm
2. Schmitt
3. Caralis & Haslam
4. Heaven, Da Silva, Carey & Holen
5. Gonzaga, Campos & Bradbury
6. Sharma, Gonda, Dome & Tarazi
7. Langhinrichsen-Rohling
8. Olderbak & Figueredo
9. Charania & Ickes
10. MacDonald
11. Greenberg
12. Karatzias
13. Eken
14. McDermott
15. Messman-Moore & Coates

| | | | |
|--|--|-----------------|----------|
| <p>اکبری و همکاران (۲۰۱۲)؛ اسمعلی کورانه و امیرسرداری (۲۰۱۵)؛ زافیروپولو و اوگیانو (۲۰۱۴)؛ نیسیانی، محمدی فخرآبادی، مصطفایی و صالحی (۲۰۱۵)</p> | <p>الگوهای فرزندپروری</p> | <p>خانوادگی</p> | <p>۲</p> |
| <p>بنو (۲۰۲۰)؛ کارت، نوکس و هال (۲۰۱۹)؛ مقدم فر و شاه نظری (۲۰۱۷)؛ حسینی، رحمانی و نوری (۲۰۱۶)؛ مقدم فر و ذکایی آشتیانی (۲۰۱۷)؛ فهیمی، عظیمی، اکبری، امیری پیچاکلابی و پورشریفی (۲۰۱۵)؛ بشارت، کشاورز، غلامعلی لواسانی و عربی (۲۰۱۷)</p> | <p>حمایت اجتماعی ادراک شده</p> | <p>اجتماعی</p> | <p>۳</p> |

در شکل ۲ هر یک از عوامل و متغیرهای موثر بر تجربه شکست عشقی نشان داده شد.



شکل ۲: عوامل مؤثر بر شکست عشقی

بحث و نتیجه‌گیری:

بر اساس مرور انجام شده، ویژگیهای شخصیتی، سبک دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار به‌عنوان سه عامل مهم فردی موثر بر شکست عشقی هستند. در ارتباط با متغیر ویژگی‌های شخصیتی باید اشاره داشت که این متغیر در شکل‌گیری و حفظ رابطه صمیمی، به‌ویژه در انتخاب همسر و شکست روابط عاطفی نقش مهم دارند. به‌صورتی‌که اجزای مهم تشکیل‌دهنده شخصیت چون، انگیزه‌ها، توانایی‌ها، تمایلات، باورها و افکار در تحمل یا عدم تحمل شکست عاطفی ناشی از عشق، تأثیرگذار است. به‌عبارت‌دیگر، تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی متفاوت، می‌تواند واکنش متفاوت را از سوی افراد در مواجهه با موقعیت‌های فشارزا متبادر سازد. راس (۱۹۹۹) معتقد است که افراد روان‌رنجور با حالاتی نظیر اضطراب، افسردگی و بدبینی به ضربه عشق واکنش نشان

1. Esmali Kooraneh & Amirsardari

2. Zafiropoulou & Avagianou

3. Carter, Knox & Hall

می‌دهند و احتمالاً قطع رابطه و شکست عشقی را به‌عنوان بازتابی از بی‌کفایتی خودشان تفسیر می‌نمایند؛ اما نکته قابل توجه و تأمل ارتباط بین عامل توافق‌پذیری و نشانگان ضربه عشق بود. عامل فوق با صفاتی نظیر نوع‌دوستی، همدلی، گرایش به همکاری مشخص می‌شود و محتمل‌ترین تبیین این می‌تواند باشد که تعهد و همدلی بسیار بالا به روابط بین فردی، به‌ویژه در رابطه با جنس مخالف، بازتابی از این عامل زیربنایی شخصیت باشد که هرگونه جدایی و فقدان را دال بر عدم نوع دوستی و همدلی تلقی می‌نماید. احتمالاً یک فرد روان‌رنجور با مسئولیت‌پذیری بالا، دارای این تلقی نادرست از رابطه عاشقانه است که رابطه باید به هر قیمت و شرایطی حفظ گردد و تداوم یابد.

یکی دیگر از متغیرهایی که در مطالعه حاضر به‌عنوان یکی از عوامل فردی شناسایی شد، سبک‌های دلبستگی بود. بر اساس نظریه دلبستگی، در دوران کودکی، افراد بسته به در دسترس بودن و پاسخگویی مراقب اصلی خود، یک سبک دلبستگی را تشکیل می‌دهند و این الگوی دلبستگی به روابط بزرگسالی منتقل می‌شود و با نوع عشق ورزیدن افراد در ارتباط است (امان‌اللهی و همکاران، ۲۰۱۶). به نظر می‌رسد افرادی که دارای سبک دلبستگی ناایمن (مانند دوسوگرا) هستند، بیشتر از افرادی که دارای سبک ایمن هستند، دچار شکست‌های عاطفی و عشقی می‌شوند. چرا وضعیت این‌گونه است؟ صاحب‌نظران نظریه دلبستگی اعتقاد دارند که کیفیت تجربه فقدان، انعکاسی از کیفیت روابط دلبستگی اولیه فرد است. افراد در سراسر زندگی خود عشق و فقدان را تجربه می‌کنند. تجربه هر فقدانی را می‌توان باز فراخوانی و حل و فصل مجدد فرایند جدایی تفرّد دانست. در واقع، سوگ عاشقانه افراد دچار را به هسته اصلی خودشان برمی‌گرداند و سناریو مهم و تأثیرگذار روابط با افراد مهم زندگی اولیه را زنده می‌سازد. به نظر می‌رسد هرچه قدر فرد از سبک دلبستگی ایمن فاصله می‌گیرد، ناایمنی وی در روابط بین‌فردی، به‌ویژه در روابط نزدیک و صمیمی بیشتر می‌شود. پژوهش‌های متعددی وجود دارند که تأیید کرده‌اند سبک دلبستگی ناایمن با مشکلات و ناراحتی‌ها در روابط عاشقانه مرتبط است (امیری پیچاکلیایی و همکاران، ۱۳۹۱).

طرحواره‌های ناسازگار اولیه یکی دیگر از متغیرهای مربوط به عوامل فردی در این پژوهش بود. طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان باورهای بنیادین و زیربنایی، نقش مهمی در تعبیر و تفسیر رویدادهای زندگی هر فرد دارند، به‌عبارت دیگر افراد، دنیا و تجارب زندگی خودشان را از چشم‌انداز طرح‌واره می‌نگرند. در واقع طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، به آسیب‌پذیری فرد برای انواع مختلف آشفتگی‌های روانی و شخصیتی منجر می‌شود. همین امر مانعی برای رضایت از زندگی و رابطه خواهد بود. از آنجا که طرح‌واره‌های ناسازگار، ناکارآمد هستند، ناخشنودی از روابط را در پی دارند و زمینه را برای شکست عاطفی فراهم می‌کنند. در نظر افراد دارای طرح‌واره بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، دنیا بسیار جای ناامن و بدی است زیرا دیگران مدام سعی در آسیب زدن، فریب دادن، دروغ گفتن، به بازی گرفتن، یا امتیاز گرفتن از آدم هستند. فرد با طرح‌واره بی‌اعتمادی/ بدرفتاری معتقد است که دیگران به هر طریقی که شده از وی سوءاستفاده خواهند کرد. مهم‌ترین ویژگی این افراد این است که گمان می‌کنند دیگران عمداً و از روی قصد دست به این کارها دست می‌زنند. چنین افرادی همیشه حس یک آدم فریب‌خورده را دارند (کلاگ و یانگ^۱، ۲۰۰۶). بنابراین، روشن است افرادی که دارای چنین طرح‌واره‌ها یا باورهایی هستند، علاوه بر اینکه در روابط عاطفی خود با دیگران با احتمال بیشتری با شکست مواجه می‌شوند، بلکه هیجانانگیزی منفی شدیدتری را بخاطر فروپاشی روابط عاشقانه تجربه خواهند کرد و در واقع نشانگان ضربه عشق در این گروه شدیدتر و بارزتر خواهد بود چراکه این افراد با چنین باورهایی، حتی در پیدا کردن یک رابطه عاطفی جدید در آینده نیز ناامید هستند و بخاطر این تجربه منفی، افکار خودآیند منفی در آن‌ها بیشتر از گذشته شدت می‌یابد و این

1. Kellogg & Young

باور منفی را در خود تقویت می‌کنند که حتی در آینده نیز نمی‌توانند یک ارتباط عاطفی و عاشقانه پایدار را تجربه کنند. این افراد همچنین دچار تعارض هیجانی می‌گردند و متعاقب آن درباره اینکه چگونه با شریک عاطفی خود رفتار کند سردرگم می‌شوند (گرینبرگ، ۲۰۲۱).

متغیر حمایت اجتماعی ادراک شده از دیگر متغیرهایی است که نقش آن به‌عنوان یک عامل اجتماعی بر شکست عشقی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به ماهیت فشارزا بودن شکست عاطفی، به دلیل از دست دادن حمایت مادی، تأییدی، عاطفی و تماس اجتماعی فرد از نزدیک‌ترین منبع عاطفی، این کسری تا حدود زیادی از طریق حمایت اجتماعی از سوی خانواده و دوستان جبران خواهد شد که می‌تواند به عنوان سپر ضربه‌گیر در مقابل فشارهای روانی عمل کند. از سوی دیگر، حمایت اجتماعی می‌تواند تسهیل‌کننده رفتارهای منتهی به سلامت روان گردد که عموماً به عنوان کمک دریافت شده از جانب دیگران در شرایط دشوار زندگی درک می‌گردد (اکبری و همکاران، ۲۰۱۲). کوهن و ویلز^۱ (۱۹۸۵) در مورد دو مکانیسم صحبت می‌کنند که فرض می‌شود واسطه اثر ضربه‌گیر حمایت اجتماعی هستند. اول، حمایت اجتماعی با ضعیف کردن پاسخ ارزیابی استرس یا جلوگیری از آن، ممکن است بین آن اتفاق استرس‌زا و واکنش استرس فاصله ایجاد کند؛ بنابراین، این دانش که فردی می‌تواند حمایت دوستان و اعضای خانواده‌اش را داشته باشد و لزوماً در آینده تنها نیست (به‌عنوان مثال، ارزیابی فقدان) ممکن است ضربه‌فقدان (در اینجا نبود ارتباط عاطفی) را کم کند و در برابر اثرات زیانبار سوگ عاطفی، مانند یک ضربه‌گیر عمل کند. دوم، مهار مقابله غیرانطباقی و تسخیل مقابله انطباقی. بر این اساس، حتی اگر حمایت اجتماعی در مقابل اثرات سوگ شکست بخورد، ارائه حمایت‌های اجتماعی ممکن است مقابله با استرس را تسهیل ببخشد و در نتیجه موجب سرعت بخشیدن به بهبودی گردد (اکبری و همکاران، ۲۰۱۲). لذا می‌توان انتظار داشت که با افزایش قدرت این ضربه‌گیر روانی، روابط عاطفی نیز از استحکام بیشتری برخوردار بوده و به موازات آن شکست عاطفی و عشقی کاهش یابد و در صورتیکه فرد دچار شکست عاطفی شده است، بواسطه حمایت‌هایی که از اطرافیان دریافت می‌کند، هیجانان منفی کمتری و ضعیف‌تری را تجربه کند.

در پژوهش حاضر نقش الگوهای فرزندپروری به عنوان یک متغیر خانوادگی در شکست عشقی مورد بررسی قرار گرفت. الگوی فرزندپروری می‌تواند سبب پیدایش ویژگی‌های شخصیتی منحصر به فرد شده و نحوه برقراری و تداوم روابط بزرگسالی را رقم بزند. به‌صورتی که هرچه شیوه تربیتی بیشتر در جهت اقتدار و ابراز محبت منطقی والدین پیش رود، به همان نسبت فرزندان در پی برقراری ارتباط مطلوب‌تری گام برمی‌دارند (نعیم و گاتمن^۲، ۲۰۱۸). در واقع الگوها و رفتارهای نادرست والدین که سبب شکل‌گیری تجارب مطلوب با مراقبان اولیه (در بیشتر موارد والدین) می‌شود، در مدل‌های کارکرد درونی ذخیره می‌شوند، شناخت‌های فرد را تحت تاثیر قرار داده و بر عقاید و باورها نسبت به خود و دیگران اثر می‌گذارد، در نتیجه مانع یک مکانیسم مهم برای تنظیم عواطف و پریشانی می‌گردد و خطر آسیب‌های روان‌شناختی را افزایش می‌دهد (قنادی، عبداللهی و یارمحمدی واصل، ۲۰۱۵).

در مطالعه حاضر تنها از منابع مکتوبی که به زبان انگلیسی منتشر شده بودند، استفاده شد. همچنین در بررسی مقالات و متون ممکن است علیرغم تلاش پژوهشگران در مشخص کردن تمام کلمات کلیدی مرتبط و جستجوی تمامی پایگاه‌های داده مرتبط و بررسی مقالات یافت شده، برخی از تحقیقات مربوطه ناخواسته از چرخه مرور نظامند خارج شده باشند. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی موضوع پژوهش حاضر در منابع علمی که زبان نوشتاری آن‌ها غیر از زبان انگلیسی است، مورد مطالعه قرار گیرد و با

1. Cohen & Wills
2. Naim & Gutman

نتایج پژوهش حاضر مورد مقایسه قرار گیرد.

بر اساس نتایج بدست آمده در مطالعه حاضر، پیشنهادات می‌شود:

مطالعه حاضر نشان داد که طرحواره های ناسازگار اولیه نقش و تاثیر معنادار و مهمی در شکست عشقی زنان و دختران دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های درمانی و یا در برگزاری دوره‌های درمانی برای افراد با تجربه شکست عشقی، به نقش این متغیر توجه شود. به‌ویژه این‌که مداخلات طرح‌واره‌محور و همچنین روان‌پوشی می‌تواند در بهبود وضعیت مبتلایان به نشانگان ضربه عشق اثربخش و سودمند باشد.

با اینکه شکست عشقی مسئله‌ای رایج در میان افراد جوان است، ولی اغلب این افراد برای دریافت خدمات تخصصی مشاوره کمتر مراجعه می‌کنند. دانشگاه‌ها به عنوان نهاد دولتی که به صورت مستمر با این دسته از قشر ارتباط مستقیم دارد، و همچنین با توجه به اینکه دوران دانشگاه همزمان با سن ازدواج می‌باشد و ارتباط دختر و پسر در این زمان با توجه به نیاز آن‌ها روبه افزایش است، می‌تواند با برگزاری کلاس‌های آموزشی خانواده و ارائه راهکارهای مناسب مشاوره‌ای بهبود کیفیت زندگی این قبیل دانشجویان مفید واقع شوند.

مطالعه حاضر نشان داد که الگوهای فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی تاثیر معناداری بر شکست عشقی دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود در خصوص سبک‌های دلبستگی آموزش‌های لازم به والدین داده شود و آن‌ها را درباره دوره‌های حساس زندگی کودکان-شان آگاه ساخت تا متوجه شوند در صورت عدم تعامل مطلوب با کودک و وجود نداشتن سبک دلبستگی ایمن ممکن است چه خطراتی در آینده کودکان آن‌ها را تهدید کند. همچنین در دوران بزرگسالی، باید به افراد دارای سبک دلبستگی ناسالم آگاهی‌های لازم در خصوص تعاملات، کارکردها و ویژگی‌های شخصیتی‌شان داده شود، تا در این موارد با احتیاط عمل نموده و کمتر دچار مشکل شوند.

در نهایت براساس یافته‌های پژوهش، اهمیت ایجاد و گسترش مراکز مشاوره قبل از ازدواج ویژه جوانان در آستانه ازدواج، تنظیم یک برنامه آموزشی و پیشگیری از عواقب ارتباطات نامناسب و آموزش مهارت‌های ارتباطی و حمایتی به والدین، به عنوان یکی از گام‌های اساسی در تحقق اصول بهداشت روان را دو چندان می‌کند. یکی از پیشنهادات برای ارائه آموزش ارتباط به همه جوانان، شناسایی افرادی است که نسبت به تجارت شکست عاطفی آسیب پذیرند، پیشنهاد حمایت مستقیم از این جوانان به منظور جلوگیری یا به حداقل رساندن نتایج تراکمی ناسازگار علائم منفی شکست عاطفی در زندگی آنها، ارتقاء بیشتر مسیرهای مطلوب در بزرگسالی و فراهم ساختن شرایط مطلوب‌تر برای ازدواج‌های سالم آتی می‌باشد.

منابع

- اعتمادنیا، م.، شیروودی، ش.، خلعتبری، ج. و ابوالقاسمی، ش. (۱۴۰۰). تدوین مدلی برای پیش‌بینی نشانگان ضربه عشقی در دانشجویان بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و بهزیستی معنوی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۲۷ (۳): ۳۳۵-۳۱۸.
- اکبری، ا.، و محمودعلیلو، م.، و خانجانی، ز.، و پورشریفی، ح.، و فهیمی، ص.، و امیری پیچاکلایی، ا.، و عظیمی، ز. (۱۳۹۱). مقایسه دانشجویان دارای شکست عشقی با و بدون نشانگان بالینی در طرحواره های ناسازگار اولیه و الگوهای فرزندپروری. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، ۱۸ (۳۰): ۱۸۴-۱۹۴.
- امان الهی، عباس.، تردست، کوثر. و اصلانی، خالد. (۱۳۹۵). پیش‌بینی افسردگی براساس مؤلفه های خودشفقتی در دانشجویان دختر دارای تجربه ی شکست عاطفی دانشگاه های اهواز. روان شناسی بالینی، ۸ (۲)، ۷۷-۸۸.

- ایوانی، ن.، نوری، ر. و وحامی، م. (۱۳۹۳). رابطه طرح وارده های ناسازگار اولیه و کیفیت رابطه دوستی با جنس دیگر. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، ۸ (۴): ۴-۵.
- آسایش، م.ح.، قاضی‌نژاد، ن. و باهنر، ف. (۱۳۹۹). تبیین واکنش‌های عاطفی دختران با نشانگان شکست عشقی؛ مطالعه ای کیفی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۵ (۵۳): ۱۲۵-۱۵۴.
- بشارت، م.ع.، کشاورز، م.، غلامعلی لواسانی، م. و عربی، ا. (۱۳۹۷). نقش واسطه ای حمایت اجتماعی ادراک شده در رابطه بین روان سازه های ناسازگار اولیه و کیفیت زندگی. مجله روانشناسی ۲۲ (۳): ۲۵۶-۲۷۰.
- بهرامی احسان، ه.، منطقی، و کارخانه، س. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط سبک های دلبستگی و ویژگی های شخصیتی با پیامدهای سه گانه شکست عشقی. دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی.
- بیرامی، م. و اسمعیلی کورانه، ا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ریشه‌های تحولی (شیوه‌های فرزندپروری) و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در حوزه بریدگی- طرد، خودگردانی و عملکرد مختل در مدل طرحواره یانگ. پژوهش های نوین روانشناختی، ۲۸، ۶۵ تا ۸۲.
- پیرحیاتی، س.، صالحی، ک.، فرزاد، و.، مقدم زاده، ع. و حکیم زاده، ر. (۱۳۹۸). مرور نظام‌مند عوامل مؤثر در سنجش مدارس اثربخش دوره ابتدایی. فصلنامه علمی پژوهش در یادگیری آموزشی و مجازی، ۷ (۱): ۴۷-۵۸.
- ذکایی آشتیانی، م. و مقدم‌فر، ن. (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای ذهن‌آگاهی، مهارت‌های جرات‌ورزی و بازداری و فعال‌سازی رفتاری در پسران تک‌والد و بدون والدین ۱۵ ساله شهر گرگان. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۹ (۳): ۴۶-۵۵.
- رجب نژاد، مریم. شیروانی، آرمن. و خزانه داری، شهاب. (۱۳۸۵). مرور نظام‌مند شواهد. تهران: مرکز تعالی دانشگاه.
- صداقت، ف.، رفیعی پور، ا. و سماوی، ع. (۱۳۹۵). مقایسه نشخوارفکری در دانشجویان با و بدون نشانگان ضربه عشق شهر بندرعباس. پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، ۱ (۳): ۸۱-۷۵.
- عسکری، رسول. (۱۳۹۵). پیش بینی سندرم ضربه عشق و افسردگی بر اساس سبک های دلبستگی. پایان نامه کارشناسی ارشد، منتشر نشده، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کردستان.
- فهیمی، صمد.، عظیمی، زینب.، اکبری، ابراهیم.، امیری پیچاکلائی، احمد.، پورشریفی، حمید. (۱۳۹۳). پیش بینی نشانگان بالینی در دانشجویان دارای تجربه شکست عاطفی بر اساس ساختارهای شخصیتی: نقش تعدیل کننده ی حمایت اجتماعی ادراک شده. مجله دانش و تندرستی، ۹ (۴): ۴۶-۵۹.
- قنادی، ف.، عبدالهی، م.ح.، و یارمحمدی واصل، م. (۱۳۹۴). ارتباط ادراک رفتار والدین با افسردگی و اضطراب در فرزندان: با نقش میانجی طرحواره‌های ناکارآمد اولیه. فصلنامه پژوهش های نوین روانشناختی، ۹ (۳۳): ۱۷۱-۱۹۳.
- لطفی، ن.، و سعادت‌ی شامیر، ا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی و سبک های دلبستگی با شکست عاطفی. پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره، ۶ (۱): ۹۸-۱۱۲.
- مسیبی دورچه، ع.، عیسی زادگان، ع. و سلیمانی، اس. (۱۴۰۱). نقش طرحواره‌های هیجانی در پیش بینی نشانگان ضربه عشق در افراد دارای شکست عاطفی. مطالعات روان‌شناختی، ۱۸ (۳): ۷-۲۰.
- مصباحی، ا.، امیری مجد، م.، قمری، م. و بزازیان، س. (۱۳۹۸). تدوین مدلی برای پیش‌بینی نشانگان ضربه عشقی در دانشجویان بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و کیفیت روابط دلبستگی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۲۵ (۱): ۴۲-۵۵.
- مقدم فر، ن.، و شاه نظری، م. (۱۳۹۶). بررسی نقش حمایت اجتماعی و طرحواره های ناسازگار اولیه در پیش بینی رضایت زناشویی زنان متأهل. نشریه پژوهش پرستاری ایران، ۱۲ (۵): ۶۰-۵۳.



مهدوی نیسیانی، ز.، محمدی فخرآبادی، م.، مصطفایی، ش.، و صالحی، م. (۱۳۹۵). سبک‌های فرزندپروری ادراک شده باعثت نفس و نگرش به ازدواج در دختران مبتلا به سندرم شکست عاطفی، اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم.

یوسفی، ن.، امانی، ا.، عسگری، ر. و سلیمانی، مجید. (۱۳۹۶). پیش‌بینی ضربه عشق و افسردگی بر اساس سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دارای شکست عاطفی. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۸(۴)، ۱-۹.

- Akbari, E., Mahmoud Aliloo, M., Khanjani, Z., Poursharifi, H., Fahimi, S., & Amiri Pichakolaei, A. (2012). Early Maladaptive Schemas and Parenting Styles of Students Who Have Failed in Love With and Without the Clinical Syndrome. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 18 (3) :184-194.
- Akbari, E., Poursharifi, H., Fahimi, S., Azimi, Z., Alilou, M. M., Amiri Pichakolaei, A., & Vahidi Madadlou, P. (2015). Effectiveness of emotion focused therapy on sexual victims of romantic relationships: A single case study. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 18(1), 10-21.
- Amanelahi, A., Tardast, K., & Aslani, K. (2016). Prediction of love trauma syndrome based on self compassion among female students having experienced romantic breakups. *Journal of Applied Psychology*, 8(4), 32.
- Asayesh, M. H., Qazinejad, N., & Bahonar, F. (2021). Explanation of the Emotional Reactions of Girls with Love Trauma Syndrome: A Qualitative Study. *The Women and Families Cultural-Educational*, 15(53), 125-154
- Askari, M. (2016). Prediction of love shock syndrome and depression based on attachment styles. Master's thesis, unpublished, Faculty of Humanities, University of Kurdistan
- Basharat, M.A., Keshavarz, M., Gholamali Lavasani, M. and Arabic A. (2017). The mediating role of perceived social support in the relationship between early maladaptive psychological structures and quality of life. *Journal of Psychology* 22(3), 256-270.
- Benau, K. (2020). Shame, pride and dissociation: Estranged bedfellows, close cousins and some implications for psychotherapy with relational trauma part I: Phenomenology and conceptualization. *Mediterranean Journal of Clinical Psychology*, 8(1), 1-35.
- Caralis, D., & Haslam, N. (2004). Relational tendencies associated with broad personality dimensions. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 77(3), 397-402.
- Carter, K. R., Knox, D., & Hall, S. S. (2018). Romantic breakup: Difficult loss for some but not for others. *Journal of Loss and Trauma*, 23(8), 698-714.
- Charania, M. R., & Ickes, W. (2007). Predicting marital satisfaction: Social absorption and individuation versus attachment anxiety and avoidance. *Personal Relationships*, 14(2), 187-208.
- Cohen, S., & Wills, T. A. (1985). Stress, social support, and the buffering hypothesis. *Psychological bulletin*, 98(2), 310.
- Eken, E. (2017). The role of early maladaptive schemas on romantic relationships: a review study. *People: International Journal of Social Sciences*, 3(3), 108.
- Erber, R., & Erber, M. W. (2017). *Intimate relationships: Issues, theories, and research*. Psychology Press.
- Esmali Kooraneh, A. & Amirsardari, L. (2015). Predicting Early Maladaptive Schemas Using Baumrind's Parenting Styles. *Iran J Psychiatry Behav Sci*. 9(2):e952.
- Etemadnia, M., Shiroodi, S., Khalatbari, J., & Abolghasemi, S. (2021). Predicting Love Trauma Syndrome in College Students Based on Personality Traits, Early Maladaptive Schemas, and Spiritual Health. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 27(3), 318-335.
- Eyvani, N., noury, R. & hatami, M. (2014). The relationship between early maladaptive schemas and quality of friendship with other sex. *Quarterly journal of research in psychological health*, 8 (4), 4-5.
- Field, T. (2011). Romantic breakups, heartbreak and bereavement—Romantic breakups. *Psychology*, 2(04), 382.
- Ghannadi, F., Abdollahi, M., Yarmohammadi, M. (2015). Relationship between Preceptions of Parental Behavior and Depression and Anxiety in Children: Mediating Role of Early Maladaptive Schemas. *Journal of Modern Psychological Researches*, 9(33), 171-193.
- Gilbert, S. P., & Sifers, S. K. (2011). Bouncing back from a breakup: Attachment, time perspective, mental health, and romantic loss. *Journal of College Student Psychotherapy*, 25(4), 295-310.
- Gonzaga, G. C., Campos, B., & Bradbury, T. (2007). Similarity, convergence, and relationship satisfaction in dating and married couples. *Journal of personality and social psychology*, 93(1), 34.
- Gough, D., Oliver, S., & Thomas, J. (2013). *Learning from research: Systematic reviews for informing policy decisions*.



- Greenberg, L. S. (2021). Changing emotion with emotion. In L. S. Greenberg, *Changing emotion with emotion: A practitioner's guide* (pp. 59–90). American Psychological Association
- Heaven, P. C., Da Silva, T., Carey, C., & Holen, J. (2004). Loving styles: Relationships with personality and attachment styles. *European Journal of Personality*, 18(2), 103-113.
- Huang, F. Y., Hsu, A. L., Hsu, L. M., Tsai, J. S., Huang, C. M., Chao, Y. P., & Wu, C. W. (2019). Mindfulness improves emotion regulation and executive control on bereaved individuals: an fMRI study. *Frontiers in human neuroscience*, 12, 541.
- Kansky, J., Allen, J. P., & Diener, E. (2019). The young adult love lives of happy teenagers: The role of adolescent affect in adult romantic relationship functioning. *Journal of research in personality*, 80, 1-9.
- Karatzias, T., Jowett, S., Begley, A., & Deas, S. (2016). Early maladaptive schemas in adult survivors of interpersonal trauma: foundations for a cognitive theory of psychopathology. *European journal of psychotraumatology*, 7(1), 30713.
- karkhaneh, S., Bahrami Ehsan, H. & Manteghi, M. (2014) Investigating the relationship between attachment styles and personality traits with the three consequences of love failure. The second national conference and the first international conference on new researches in humanities.
- Kellogg, S. H., & Young, J. E. (2006). Schema therapy for borderline personality disorder. *Journal of clinical psychology*, 62(4), 445-458.
- Kuula, L., Partonen, T., & Pesonen, A. K. (2020). Emotions relating to romantic love—further disruptors of adolescent sleep. *Sleep Health*, 6(2), 159-165.
- Kweon, S. H., & Lee, S. Y. (2013). A study on empathy, credibility, and political attitude in social media: Focused on the relationship between empathetic intention and the motivation of belonging on intended pro-social and political behavior. *Advances in Journalism and Communication*, 1(03), 26.
- Langhinrichsen-Rohling, J., Thompson, K., Selwyn, C., Finnegan, H., & Misra, T. (2017). Maladaptive schemas mediate poor parental attachment and suicidality in college students. *Death studies*, 41(6), 337-344.
- lotfi, N. & Seadatee Shamir, A. (2016). The relationship between personality characteristics and attachment styles and emotional breakdown. *Research in clinical psychology and counseling*. 6(1) 98-112.
- Love, H. A., Nalbone, D. P., Hecker, L. L., Sweeney, K. A., & Dharnidharka, P. (2018). Suicidal risk following the termination of romantic relationships. *Crisis*, 39 (3), 166-174.
- MacDonald, K., Patch, E. A., & Figueredo, A. J. (2016). Love, trust, and evolution: Nurturance/love and trust as two independent attachment systems underlying intimate relationships. *Psychology*, 7(02), 238.
- Mahdavi Nisiani, Z., Mohammadi Fakhrabadi, M., Mustafaei, S. and Salehi, M. (2015). Perceived parenting styles with self-esteem and attitude towards marriage in girls with emotional breakdown syndrome, the first international conference on modern research in the field Educational Sciences and Psychology and Social Studies of Iran, Qom.
- McDermott, N. (2008). Early maladaptive schemas, attachment, negative affect and relationship satisfaction. Unpublished Dissertation, Rowan University.
- McKiernan, A., Ryan, P., McMahan, E., Bradley, S., & Butler, E. (2018). Understanding young people's relationship breakups using the dual processing model of coping and bereavement. *Journal of Loss and Trauma*, 23(3), 192-210.
- Mesbahi, E., AmiriMajd, M., Ghamari, M. & Bazazian S. (2019). Development of a Model to Predict Emotional Failure in Students According to Personal Factors and Initial Maladaptive Schemas and Quality of Love Relationships. *IJPCP*. 25 (1) :42-55
- Mesbahi, E., AmiriMajd, M., Ghamari, M. & Bazazian S. (2022). Relationship between parental attachment and perception of love trauma syndrome: The mediating role of maladaptive schemas domain of disconnection and rejection. *Rooyesh*, 11 (5) :91-100
- Messman-Moore, T. L., & Coates, A. A. (2007). The impact of childhood psychological abuse on adult interpersonal conflict: The role of early maladaptive schemas and patterns of interpersonal behavior. *Journal of Emotional Abuse*, 7(2), 75-92.
- Moghadamfar, N. & Shahnazari, M. (2017). The Role of Social Support and Early Maladaptive Schemas in Marital Satisfaction of Married Women. *IJNR*. 12 (5) :53-60.
- Mosayebi dorche, E., Issazadegan, A., & Soleymani, E. (2022). The role of interpersonal quality and communication beliefs in predicting emotional failure. *Journal of psychological science*, 21(115), 1339-1358.
- Naim, S. B., & Gutman, E. (2018). Marital Satisfaction and Intimacy as a Function of Parenting a Child with Autism or ADHD. *Archives of Physical Medicine and Rehabilitation*, 99(10), e43.



- Olderbak, S., & Figueredo, A. J. (2009). Predicting romantic relationship satisfaction from life history strategy. *Personality and Individual Differences*, 46(5-6), 604-610.
- Pirhayati, S., Salehi, K., Farzad, V., Moghadamzadeh, A., & Hakinzadeh, R. (2019). Systematic Review of Effective Factors in Assessing Effective primary Schools. *Research in School and Virtual Learning*, 7(1), 47-58.
- Rajab Nejad, M. & Shirvani, A. and Treasury, Sh. (2006). A systematic review of the evidence. Tehran: University Excellence Center
- Rosse, R. B. (1999). The love trauma syndrome: free yourself from the pain of a broken.
- Sadaqat, F., Rafieipour, A. & Samavim, A. (2015). Comparison of depression in students with and without love trauma syndrome in Bandar Abbas city. *New developments in behavioral sciences* 2015; 1 (3): 88-82
- Schmitt, D. P., Youn, G., Bond, B., Brooks, S., Frye, H., Johnson, S., ... & Stoka, C. (2009). When will I feel love? The effects of culture, personality, and gender on the psychological tendency to love. *Journal of Research in Personality*, 43(5), 830-846.
- Sharma, S. R., Gonda, X., Dome, P., & Tarazi, F. I. (2020). What's Love Got to do with it: Role of oxytocin in trauma, attachment and resilience. *Pharmacology & therapeutics*, 214, 107602.
- Thimm, J. C. (2010). Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. *Journal of behavior therapy and experimental psychiatry*, 41(4), 373-380.
- Verhallen, A. M., Renken, R. J., Marsman, J. B. C., & Ter Horst, G. J. (2019). Romantic relationship breakup: An experimental model to study effects of stress on depression (-like) symptoms. *PLoS One*, 14(5), e0217320.
- Yoosefi, N., Amani, A., Asgari, R., & Soleymani, M. (2018). Prediction of love trauma and depression based on attachment styles of university students with emotional breakdown. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 18(4), 1-9.
- Zafiropoulou, M., & Avagianou, P. A. (2014). Parental bonding and early maladaptive schemas. *Journal of Psychological Abnormalities*.
- Zakaei Ashtiyani, M., & Moghadam Far, N. (2017). A comparative study of mindfulness, assertiveness skills as well as behavioral activation and behavioral inhibition among 15 year old boys of single parent families and those without parents in Gorgan city. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 19(special issue), 205-211.